



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۹/۰۹

طارق ارسلانی

دوحه و مشکلات سر راه صلح

بعد از ماهها جدال سرانجام روز گذشته نشست رو در روی میان نمایندگان حکومت کابل و هیأتی بنماینده از طالبان در "دوحه" پایتخت کشور "قطر" برگزار گردید. اگر از مقدمات بگذریم و مستقیماً بپردازیم به اینکه: آیا آنچنانی که بعضی ها تصور میکنند نشست "دوحه" خواهد توانست تا صلح گمگشته را به افغانستان برگرداند؟ جهت پاسخ به این سوال دو بُعد جنگ افغانستان را باید مور ارزیابی قرار داد: بُعد داخلی و بُعد خارجی. در بُعد خارجی جنگ افغانستان هیچ نشانه‌ی از عقبشینی سیاسی و توافق نظر میان کشور های دخیل در قضیه افغانستان بنظر نمیرسد:

- صدراعظم پاکستان، عمران خان، همین چند روز قبل یکبار دیگر ترانه "گسترش نفوذ هندوستان در افغانستان" را زمزمه نمود و تهدید کرد که پاکستان با تمام قوت جلو نفوذ هند را در افغانستان خواهد گرفت. از جانب دیگر هندوستان به سرمایه گذاری خود در افغانستان ادامه میدهد و با سهم گیری در اعمار بالا حصار کابل، یکبار دیگر به ادامه همکاری خود با حکومت افغانستان تأکید ورزید و به اینترنتی بصورت غیر مستقیم پیام فرستاد که: هندوستان به آسانی افغانستان را برای پاکستان واگذار نخواهد کرد.
 - دولت ایران مکرراً متهم به حمایت پس پرده از طالبان میباشد و از جانب دیگر نماینده خاص دولت ایران برای افغانستان با اشاره به مذاکرات "دوحه" بر "حفظ ارزشهای جمهوری و قانون اساسی" تأکید ورزید.
 - هفته گذشته اولین گام عملی در راه تشکیل ائتلاف ضد ایران توسط کشور های عربی خلیج فارس و اسرائیل برداشته شد و توقع میرود که بزودی عربستان سعودی نیز به این ائتلاف بپیوندد. بعید نیست که سعودی با استفاده از نفوذ مذهبی که بالای گروه های افراطی سنی مذهب دارد، افغانستان را بحیث نقطه فشار در برابر ایران استفاده نکند.
 - روسیه با آنکه ظاهراً روابط دیپلماتیک خود را با حکومت کابل نگه داشته است، ولی با دعوت نمایندگان طالبان به مسکو و "اعطای جایزه به طالبان جهت کشتن عساکر امریکائی"، عملاً در ائتلاف ضد امریکا قرار دارد.
 - امریکا همان سیاست سرد را که در افغانستان آغاز نموده بود، اکنون "سر کلاه نیز مفقود است." برای دولت امریکا صلح افغانستان صرفاً در قالب یک شعار باقی مانده است نه غایت و هدف. امریکائیان دنبال یک پارچه کاغذ با چند دستخط استند تا آنرا منحیث وثیقه برخ ملت امریکا و جهانیان بکشند.
 - در بُعد مشترک خارجی و داخلی قضیه افغانستان باید اضافه نمود که ۳۵۰۰۰ مدرسه در پاکستان سالانه بیش از سه ملیون و پنجصد هزار طالب تولید میکنند. این کودکان مدارس در کنار دروس مذهبی تمرینات نظامی نیز دریافت میدارند که بعد از فراغت (دستار بندی) ضرورت به میدانهای جنگی دارند تا تئوری های فرا گرفته را عملاً تجربه نمایند. هزاران فامیل بی بضاعت از سرتاسر افغانستان نیز کودکان خود را به مدارس پاکستانی میفرستند که در بازگشت به وطن بیگانه و حتی در ضدیت با ارزشهای افغانی به بار می آیند. این کودکان بیشتر به مدارس خود وفادار باقی میمانند تا به فامیل و همشهریان خود.
- و اما در بُعد داخلی جنگ افغانستان:

-واقعیست مسلم اینست که جنگ کنونی بالای افغانها تحمیل گردیده است. این جنگ در واقعیت در جهت تأمین منافع بیگانگان و در داخل خاک افغانستان براه انداخته شده است. متأسفانه "صلاحیت" آغاز جنگ در دست دیگران ولی قسمیکه دیده میشود "مسئولیت" ختم آن بدوش افغانها گذاشته شده است تا باز هم آنها که جنگ را آغاز نموده اند بنحوی رفع مسئولیت نمایند. به عبارت واضحتر: آنها که صلاحیت داشتند از مسئولیت فرار میکنند و آنها که مسؤل

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

استند صلاحیت نداشتند. غالباً که این تغییر در وظائف و دوگانگی در موقف بر فضای نشست "دوحه" تأثیر گذار خواهد بود.

- شورای طالبان از کویته و حکومت کابل از داخل ارگ ماشین جنگی را هدایت و رهبری مینمایند و خود را از آفت جنگ بدور نگه داشته اند. جوانان فقیر و بیکار افغان معاش ناچیز را با قیمت جان حاصل و جهت امرار حیات ناچار خود را در استخدام یکی از این دو جناح قرار میدهند و این ماشین جنگی را بر شانه های خود حمل مینمایند.
- طالب تا هنوز شلاق بر زمین نگذاشته و هنوز نیز سخن از تشکیل "امارت" (و لغو قوای امنیتی) میزند. در جهت مقابل حکومت و افراد وابسته به نظام هر نوع تغییر در ساختار نظام را رد میکنند.
- حکومت کابل در ماهیت خود ائتلافی است متشکل از افراد و گروه های غیر متجانس با دیدگاه های متفاوت در قبال مذاکره و صلح با طالبان. هیأت مذاکره کننده حکومت کابل حتی قبل از حرکت دچار چند دسته گی گردید. گذشته از آن حکومت کابل هر نوع توافق را مشروط به تأیید لویه جرگه نموده است. گروه طالبان نیز با وجود آنکه بشکل یکپارچه در این نشست حضور دارند ولی گروه های زیادی در کمین نشسته اند که طالبان ناراضی و طالبان متعهد به جهاد را بزودی به خود جذب خواهند نمود.
- جنگهای چهار دهه جامعه افغانی را شدیداً از هم متلاشی گردانیده است: جای منافع ملی را منافع شخصی و گروهی احتوا نموده و اکثراً دیده میشود که منافع یک گروه و یک سمت با منافع گروه و سمت دیگر در تضاد قرار دارد. در همچو حالتی که تعریف مشخصی از "منافع مشترک" موجود نباشد، صلحی که مورد تأیید یک گروه باشد واضحاً که با مخالفت گروه دیگر مواجه گردید و در این میان کم نیستند افرادی که منافع خود را در تداوم جنگ خواهند دید. گذشته از آن منافع فردی چنان با تار های قومی و سمتی باهم وصل گردیده اند که هر اوباش و جنایتکار روی سرک همچون اژدهای هزار سر، از گریبان زورمندان و جنگسالاران سر بدر می آورد. زورمندان در طول هژده سال گذشته عادت کرده اند که از این قوه اوباش شهری جهت باجگیری استفاده نمایند. افرادی نیز که حلاوت امتیازات کانفرانس "بن" هنوز در ذهن شان باقی است، یکبار دیگر به "دوحه" نیز به دید امتیاز طلبی مینگرند.
- بعضی از افراد و گروه ها موجودیت حالت فعلی را در جهت تبارز عقده های "دو صد ساله" و بعضی ها در راه ابقای افتخارات صدساله خود بکار میگیرند. صلح در قدم اول مستلزم گذشت است، در افغانستان همه آرزوی صلح میکنند ولی هیچکس حاضر به گذشت نیست.
- یکی از تأثیرات منفی جنگ افزایش میزان خشونت (خشونت های جرمی) در کشور میباشد. افغانستان هر روز شاهد انواع خشونتهای است که نه تنها در تاریخ کشور بیسابقه بوده است بلکه اینهمه اشکال خشونت تمام آن ارزش ها و اعتقادات افغانی را که "بافت اجتماعی" جامعه را تشکیل میدهند، یکسره بی ارزش ساخته است. در این میان چهره های خشونتبار، داعیان صلح میشوند و آنهای که کمترین ارزش به کرامت انسانی (خصوصاً کرامت زن) قائل استند، سخن از صلح میزنند حال آنکه تهداب هر نوع صلح ابتدا در داخل خانه گذاشته میشود.
- صلح در کنار آنکه نیاز و آرزوی هر انسان است، کلمه پاک و مقدسی است که هیچ فردی نمیخواهد اسم اش در ضدیت با این کلمه ذکر گردد. اما صلح زمانی تحقق میآید که دو جانب صادق و متعهد به صلح باشند. اگر حکومت کابل و گروه طالبان صرفاً جهت کسب رضایت حامیان خارجی و اقتناع پیروان داخلی خود در این نشست اشتراک نموده باشند، این نشست واضحاً راه به جایی نخواهد برد. هر صلحی در قدم اول مستلزم گذشت است. نشست "دوحه" زمانی راه را بسوی صلح پایدار در کشور باز خواهد نمود که افغانها به این نشست منحیث یک "فرصت" بنگرند نه "امتیاز طلبی". صلح زمانی تحقق خواهد یافت که خواستهای شخصی و گروهی جای خود را به منافع مشترک ملی واگذار شود.

به امید صلح سرتاسری و پایدار در افغانستان.

طارق ارسلانی - ایالت ویرجینیا، امریکا